

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سقوط تعهدات

تألیف: محمد مجتبیٰ رودیجانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

وکیل پایه یک دادگستری

با دیباجه: دکتر محمد رستم پور

معاون آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسنامه:	رودیجانی، محمد مجتبی، ۱۳۶۱
عنوان قراردادی:	ایران: قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور:	سقوط تعهدات / تالیف: محمد مجتبی رودیجانی، با دیباچه محمد رستم پور
مشخصات نشر:	تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۱۲۸ صفحه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۲۶-۸۷-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۱۲۹
موضوع:	تعهدات (حقوق) -- ایران
موضوع:	سقوط تعهدات -- ایران
موضوع:	حقوق مدنی -- ایران
موضوع:	تعهدات (فقه) -- ایران
شناسه افزوده شده:	رستم پور، محمد [دکتر]، مقدمه نویس
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ ص ۷، ۹ / ر ۸۱۰ / KMH
رده بندی دیویی:	۳۴۶/۵۵۰۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۵۴۹۹۹۲

سقوط تعهدات



مؤلف.....	محمد مجتبی رودیجانی
ناشر.....	کتاب آوا
صفحه آرایي.....	مهدی حسینی شفیق
چاپ و صحافی.....	آوا
نوبت چاپ.....	اول ۱۳۹۰
شمارگان.....	۱۰۰۰ نسخه
قیمت.....	۳۰۰۰۰ ریال
شابک.....	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۲۶-۸۷-۵

نشانی مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان مهرداد روانمهر شرقی
شماره ۸۹، انتشارات کتاب آوا
شماره تماس: ۰۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۰۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۰۶۶۹۷۴۶۴۵
www.avabook.com

نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان میاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد، جنب دادگستری
شماره تماس: ۲۳۵۴۶۵۱

کلیه حقوق و حق چاپ متن، کپی برداری، طرح روی جلد، و عنوان کتاب، با توجه به
قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان برای انتشارات کتاب آوا محفوظ است و
متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست



۹.....	دباجه.....
۱۱.....	مقدمه.....
۱۲.....	فصل ششم قانون مدنی ایران در سقوط تعهدات.....
۱۲.....	مبحث اول: مفهوم سقوط تعهد.....
۱۲.....	مبحث دوم: اسباب سقوط تعهد.....
۱۵.....	فصل اول.....
۱۵.....	در وفاء به عهد.....
۱۵.....	مبحث اول: مفهوم وفای به عهد و ماهیت آن.....
۱۷.....	مبحث دوم: اماره مدیونیت.....
۲۰.....	مبحث سوم: تعهدات طبیعی.....
۲۳.....	مبحث چهارم: ایفاء دین از جانب شخص یا اشخاص غیر مدیون.....
۲۴.....	۱- پرداخت با اذن مدیون یا بدون اذن وی و آثار آن.....
۲۵.....	۲- مقایسه ماده ۲۶۷ قانون مدنی با عقود ضمان و حواله.....
۲۶.....	مبحث پنجم: شرط مباشرت شخص متعهد در انجام فعل.....
۲۷.....	مبحث ششم: مالکیت و اهلیت ایفاء کننده.....
۲۹.....	مبحث هفتم: شرایط استرداد مال تأدیه شده.....
۳۱.....	مبحث هشتم: تأدیه دین به دائن.....
۳۴.....	۱- شرایط تأدیه دین به اشخاص غیر از دائن.....
۳۴.....	۲- امتناع دائن از قبول تأدیه.....
۳۷.....	۳- تأدیه به دائنی که اهلیت قبض ندارد.....
۳۷.....	۴- وفاء به عهد با موضوعی غیر از موضوع تعهد.....
۳۸.....	مبحث نهم: تأدیه مالی که مدیون ممنوع از تصرف در آن است.....
۴۰.....	مبحث دهم: تجزیه در وفاء و مهلت عادلانه از سوی حاکم.....
۴۱.....	مبحث یازدهم: شرایط تسلیم عین معین.....
۴۴.....	مبحث دوازدهم: شرایط تأدیه مال کلی فی الذمه و کلی در معین.....
۴۵.....	مبحث سیزدهم: محل انجام تعهد.....
۴۸.....	مبحث چهاردهم: مخارج تأدیه.....
۴۹.....	مبحث پانزدهم: دیون متعدده.....

فصل دوم.....	۵۱
در اقاله.....	۵۱
مبحث اول: مفهوم اقاله و ماهیت آن.....	۵۱
مبحث دوم: ارتباط اقاله و فاسخ و انفساخ.....	۵۳
مبحث سوم: طرق وقوع اقاله.....	۵۴
مبحث چهارم: موضوع اقاله.....	۵۷
مبحث پنجم: تلف یکی از دو عوض معامله و تأثیر آن در اقاله.....	۵۹
مبحث ششم: تکلیف منافع و نمائت مورد معامله در اقاله.....	۶۱
مبحث هفتم: تصرفات مالک بعد از عقد در مورد معامله و اثر آن در اقاله.....	۶۵
فصل سوم.....	۶۷
در ابراء.....	۶۷
مبحث اول: مفهوم ابراء و ارکان آن.....	۶۷
مبحث دوم: ابراء فصولی.....	۶۸
مبحث سوم: ثبوت حق در ذمه ابراء شونده.....	۷۰
مبحث چهارم: ابراء از حق مجهول و نامشخص.....	۷۱
مبحث پنجم: ماهیت ابراء.....	۷۱
مبحث ششم: ابراء معلق.....	۷۲
مبحث هفتم: ابراء معوض (ابراء به شرط عوض).....	۷۳
مبحث هشتم: اهلیت متعهده در ابراء.....	۷۴
مبحث نهم: ابراء ذمه میت.....	۷۵
فصل چهارم.....	۷۷
در تبدیل تعهد.....	۷۷
مبحث اول: مفهوم تبدیل تعهد و ارتباط آن با انتقال دین و انتقال طلب.....	۷۷
مبحث دوم: موارد تبدیل تعهد.....	۷۸
مبحث سوم: تکلیف تضمینات تعهد سابق در تبدیل تعهد.....	۸۶
فصل پنجم.....	۸۹
در تهاتر.....	۸۹
مبحث اول: مفهوم تهاتر.....	۸۹
مبحث دوم: اقسام تهاتر.....	۹۰
۱- تهاتر قهری یا قانونی.....	۹۰
۲- تهاتر قراردادی.....	۹۲
۱-۲- موارد تهاتر قراردادی.....	۹۳
۳- تهاتر قضائی.....	۹۴
مبحث سوم: سبب ایجاد تهاتر و ماهیت آن.....	۹۵

۹۷	مبحث چهارم: شرایط تهاتر قهری و خصوصیات آن.....
۹۹	مبحث پنجم: شرایط دو دین در تهاتر.....
۱۰۲	مبحث ششم: تهاتر در عقد ضمان.....
۱۰۳	مبحث هفتم: شرایط تهاتر در مورد تفاوت محل دو دین.....
۱۰۴	مبحث هشتم: تهاتر و حقوق ثابته اشخاص ثالث.....
۱۰۷	فصل ششم.....
۱۰۷	مالکیت ما فی الذمه.....
۱۰۷	مبحث اول: مفهوم مالکیت ما فی الذمه.....
۱۰۷	مبحث دوم: اقسام مالکیت ما فی الذمه.....
۱۰۸	مبحث سوم: مالکیت ما فی الذمه و سقوط تعهد.....
۱۰۸	مبحث چهارم: شرایط مالکیت ما فی الذمه.....
۱۱۱	فصل هفتم.....
۱۱۱	مرور زمان.....
۱۱۱	مبحث اول: مفهوم مرور زمان.....
۱۱۱	مبحث دوم: انواع مرور زمان.....
۱۱۳	مبحث سوم: مرور زمان و مهلت.....
۱۱۴	مبحث چهارم: تکلیف مرور زمان در مقررات فعلی.....
۱۱۵	فصل هشتم.....
۱۱۵	تلف مورد تعهد و ممتنع شدن عمل مورد تعهد (انفساخ).....
۱۱۵	مبحث اول: تلف مورد تعهد.....
۱۱۶	مبحث دوم: اتلاف مورد تعهد.....
۱۱۶	مبحث سوم: ممتنع شدن عمل مورد تعهد و آثار آن.....
۱۱۹	فصل نهم.....
۱۱۹	فسخ.....
۱۱۹	مبحث اول: مفهوم فسخ و خصایص آن.....
۱۲۰	مبحث دوم: اثر فسخ.....
۱۲۳	فصل دهم.....
۱۲۳	شرط انحلال عقد (شرط فاسخ).....
۱۲۳	مبحث اول: مفهوم شرط فاسخ.....
۱۲۴	مبحث دوم: اثر شرط فاسخ.....
۱۲۵	منابع و مآخذ.....

دیباچه



بسمه تعالی

انسان موجودی اجتماعی و مدنی است و در زندگی اجتماعی خود منافعی برای خود می‌بیند تا نیازهای مادی و معنوی خویش را تأمین نماید. در برخی موارد در تلاش برای بدست آوردن این منافع اصطکاک و برخوردهایی بین منافع افراد جامعه به وجود می‌آید. برای جلوگیری از سهم خواهی خارج از ضابطه و قانون توسط برخی از افراد جامعه، هر حکومتی قوانین مخصوص خود را وضع نموده تا با این موارد تخلف برخورد نماید. از اینروست که می‌توان اینگونه تعبیر نمود که همه قوانین و تعهدات برای این پدید آمده‌اند تا بر طبع گردن کش آدمی کنترل و هدایتی به وجود آورند و از انحراف و راه کج و ناصواب ممانعت نمایند. سرآمد همه قوانین، حقوقی است که یک نظام اجتماعی را به وجود می‌آورد. این حقوق، حق و تعهدی را به دنبال دارد که در قبال هر حقی که به انسان می‌دهد تعهد به رعایت آن نیز بر گردن او تحمیل می‌نماید. این تعهد نه تنها در فرایند ارتباط فرد با جامعه دخیل است بلکه در روابط خصوصی شخص نیز دیده می‌شود. قانون مدنی از جمله قوانین حقوقی هر کشور محسوب می‌شود که مشمول به جای آوردن تعهدات و حمایت از سوی قانونگذار است. آنچه در تألیف کتاب حاضر مشاهده می‌شود ذکر جزئیات قوانین مربوط به تعهدات است که به لحاظ موضوع و مسائلی که در آن بحث و بررسی می‌گردد دارای اهمیت شایانی است.

کتاب سقوط تعهدات که جزء مباحث قواعد عمومی قراردادهاست، بر اساس مباحث و سرفصل‌های مصوب رشته حقوق در مقطع کارشناسی تألیف شده است. لذا به لحاظ غنی بودن محتوا و به استناد توانمندی خالق اثر که مولف ششمین کتاب در مباحث حقوقی است، به کلیه دانشجویان رشته حقوق و دیگر علاقه مندان به موضوعات حقوقی توصیه می‌گردد. بی‌شک این اقدام مولف مطلوب طبع استفاده کنندگان قرار خواهد گرفت. ان شاء...

دکتر محمد رستم پور

معاون آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مواد ۲۶۴ تا ۳۰۰ قانون مدنی به مبحث سقوط تعهدات اختصاص یافته است. سقوط تعهدات عبارت است از منتفی شدن تعهد موجود به وسیله‌ای از وسایل قانونی^۱. این وسایل قانونی را ماده ۲۶۴ قانون مدنی نام برده است که عبارتند از ۱- وفاء به عهد ۲- اقاله ۳- ابراء ۴- تبدیل تعهد ۵- تهاتر ۶- مالکیت ما فی الذمه. البته باید توجه داشت که ماده ۲۶۴ حصری نبوده و اسباب دیگر سقوط تعهد عبارتند از فسخ، شرط انحلال عقد، تلف مال مورد تعهد و ممتنع شدن عمل مورد تعهد (انفساخ) و مرور زمان، البته برخی از نویسندگان^۲ از طلاق و بذل مدت نیز به عنوان اسباب سقوط تعهدات نام برده‌اند منتها این اسباب اختصاص به نکاح دائم و موقت داشته و بنابراین نباید در کنار اسباب سقوط تعهدات که به طور عام و در ارتباط با کلیه قراردادهای مطرح می‌شوند، قرار بگیرند. البته باید توجه داشت که منتفی شدن تعهد موجود به معنی به ثمر نرسیدن آن نیست. به عبارت دیگر سقوط تعهدات تنها به معنی به ثمر نرسیدن تعهدات نمی‌باشد زیرا مثلاً وفای به عهد در واقع اجرای تعهد است. بنابراین باید سقوط تعهد را به معنای زوال تعهد در نظر گرفت. یعنی در سقوط، تعهد مورد نظر حالت اولیه را از دست می‌دهد حال ممکن است به صورت دیگری درآید مانند تبدیل تعهد یا به طور کلی از بین برود مانند ابراء یا اینکه اجرا شود مانند وفاء به عهد. در ابتدا به شرح ماده به ماده سقوط تعهدات از ماده ۲۶۴ تا ۳۰۰ قانون مدنی پرداخته می‌شود و در ادامه از اسباب دیگر سقوط تعهدات نام برده می‌شود. بنابراین اسباب سقوط تعهدات که در این نوشتار به آنها خواهیم پرداخت عبارتند از: ۱- وفاء به عهد ۲- اقاله ۳- ابراء ۴- تبدیل تعهد ۵- تهاتر ۶- مالکیت ما فی الذمه ۷- مرور زمان ۸- تلف مورد تعهد و ممتنع شدن عمل مورد تعهد (انفساخ) ۹- فسخ ۱۰- شرط انحلال عقد (شرط فسخ)

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوازدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۳۶۰

۲- علی آبادی، علی؛ ایجاد و سقوط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه

فصل ششم قانون مدنی ایران در سقوط تعهدات

مبحث اول: مفهوم سقوط تعهد

هنگامی که از سقوط تعهدی^۱ سخن می‌گوییم عبارت عامی را به کار برده‌ایم. به این معنا که برخی مواقع تعهدی ساقط می‌شود به این صورت که ابتدا از بین می‌رود و اثری از آن باقی نمی‌ماند و به تعهد جدیدی نیز تبدیل نمی‌شود مانند وفاء به عهد و یا اینکه تعهدی ساقط می‌شود بدین صورت که متحول به تعهد جدیدی می‌شود مانند تبدیل تعهد. منتها در هر دو مورد سقوط تعهد به معنی از بین رفتن تعهد صورت گرفته با این تفاوت که در مورد دوم تعهدی جدید به جانشینی تعهد قبلی به وجود می‌آید ولی در مورد اول تعهد به طور کلی ساقط و از بین رفته است. البته باید توجه داشت که سقوط در ماده ۲۶۴ قانون مدنی به معنای به ثمر نرسیدن نیست بلکه بر معنای زوال است. یعنی تعهد زوال پیدا می‌کند که می‌تواند به وسیله وفاء بر عهد یا ابراء باشد که به طور کلی زوال می‌یابد یا به وسیله تبدیل تعهد باشد که زوال پیدا می‌کند منتها متحول به تعهدی جدید می‌شود. شاید تعبیر دقیق‌تر به جای واژه زوال تعهد استفاده از واژه انجام تعهد باشد. زیرا در همه موارد نامبرده تعهد به نوعی به انجام می‌رسد و تکلیف آن مشخص می‌شود. برخی نویسندگان^۲ معتقدند که موردی مانند وفاء به عهد وسیله اجرای تعهد است نه سقوط تعهد و همچنین اقاله نیز وسیله انحلال عقد است نه سقوط تعهد. منتها با معنی که برای سقوط تعهد گفتیم این اشکالات منتفی است زیرا در اجرای تعهد و اقاله نیز نوعی انجام و زوال تعهد وجود دارد و معنای سقوط تعهد نیز همین است. زیرا هیچ کسی نمی‌تواند منکر زوال تعهد در این دو مورد گردد.

مبحث دوم: اسباب سقوط تعهد

ماده ۲۶۴: تعهدات به یکی از طریق ذیل ساقط می‌شود:

- | | |
|-------------------------|--------------------------------|
| ۱- به وسیله وفاء به عهد | ۲- به وسیله اقاله |
| ۳- به وسیله ابراء | ۴- به وسیله تبدیل تعهد |
| ۵- به وسیله تهاتر | ۶- به وسیله مالکیت ما فی الذمه |

۱- برخی نویسندگان فوت یکی از طرفین معامله در عقود جائز (ماده ۹۵۴ قانون مدنی) را جزء اسباب سقوط تعهد دانسته‌اند ر.ک: امامی، سید حسن، حقوق مدنی، چاپ پنجم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۳۱۳. علاوه بر اینکه مشخص نیست چرا نویسنده جنون و سفه را نیز در کنار فوت در عقود جائز جزء اسباب سقوط تعهد ذکر نکرده، باید دانست که این موارد ذیل عنوان انفساخ قرار می‌گیرند.

۲- قاسم‌زاده، سید مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ دهم، تهران، دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۲۸۶.

اسباب ذکر شده برای سقوط تعهدات در این ماده تمثیلی هستند نه حصری. بنابراین باید موارد دیگر یعنی مرور زمان، انفساخ، فسخ و شرط فاسخ نیز به آنها افزوده شود. در حقوق ایران بطلان را نمی‌توان جزء موارد سقوط تعهدات دانست زیرا بطلان حالت تعهدی است که اصلاً و ابتداءً در عالم اعتبار موجودیت پیدا نکرده و آن نیز به دلیل تعارض قرارداد با قواعد امری می‌باشد مضافاً اینکه در حقوق ایران طرفین قرارداد نمی‌توانند آنرا باطل کنند بلکه بطلان یک وضعیت حقوقی است یعنی قرارداد باطل از ابتدا در عالم اعتبار شکل نگرفته است.^۱ بنابراین صحبت از سقوط تعهد ناشی از اینچنین قراردادی نیز امکانپذیر نخواهد بود. برخی نویسندگان^۲ معتقدند که ذکر اقاله در این ماده به عنوان موردی از موارد سقوط تعهدات اشتباه است. در حالی که با معنایی که از سقوط تعهدات ارائه نمودیم اقاله نیز جزء این موارد بوده و ایراد وارد نیست. در واقع در اقاله نیز به نوعی زوال تعهد داریم پس اقاله نیز از موارد سقوط تعهد است.

www.ketaboo.ir

۱- رودبجانی، محمد مجتبی، حقوق مدنی ۳، چاپ اول، شیراز، کوشا مهر، ۱۳۸۷، ص ۳۳۹.

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰.